

The Study of the Communication Culture of Teachers with Colleagues, Parents and Students: Rural and Multi-level Schools

Saeed Roumani^{1*}, Gholamreza Haji Hossein Nejad², Nematullah Fazeli³, Ali Hosseinikhah⁴

1. Ph.D. in Curriculum Studies, Lecturer at Farhangian University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Curriculum Studie , Faculty of Education and Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

4. Assistant Professor, Department of Curriculum Studies, Faculty of Education and Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

(Received: December 18, 2017; Accepted: December 7, 2019)

Abstract

The purpose of this study was identifying the culture of teacher communication with colleagues, parents, and students in rural and multi-level schools in Lorestan province. Qualitative research method and descriptive ethnography were used. A sample of the study was 14 primary school teachers, which were selected through purposeful sampling and based on the theoretical saturation rate from the cooperative type which has been interviewed through semi-structured method. The content analysis method was used to analyze the findings. Findings of research showed that teachers had a positive communication culture and criticized communication in relationships with colleagues, parents, and students. The culture of teacher communication and collaboration with colleagues, parents, and students varied according to the environment, level of education, and expectations of colleagues, parents, and students. Following items, for positive relationships could be mentioned: the application of verbal and non-verbal communication principles for conveying lessons concepts to students, Briefing sessions for Parents, and Relationship with politeness and respect. Following items, for criticized Cultural communication could be mentioned: Teacher 'malice and pessimism towards each other, The sense of negative competition, indifference and non- use of ideas amongst equal teachers, the importance of students after the material, not listening to the students 'voice, the parents' misleading expectations, and circular-based communication. The results of this study would be used to identify the cultural differences and the necessary measures regarding the conditions of multi-level classes in the educational system.

Keywords: Relationships culture, Rural and multi-level schools, Teacher's culture.

* Corresponding Author, Email: Sroomani56@gmail.com

بررسی فرهنگ روابط معلمان با همکاران، والدین و دانش آموزان: مدارس روستایی و چندپایه

سعید رومانی^{۱*}، غلامرضا حاجی حسین نژاد^۲، نعمت‌الله فاضلی^۳، علی حسینی خواه^۴

۱. دکتری مطالعات برنامه‌ریزی درسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه مطالعات برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. دانشیار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

۴. استادیار، گروه مطالعات برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی چگونگی فرهنگ روابط معلمان با همکاران، والدین و دانش‌آموزان در مدارس روستایی و چندپایه استان لرستان انجام گرفت. روش پژوهش، کیفی و از نوع توصیفی-قوم‌نگاری بوده است؛ نمونه بررسی شده معلمان ابتدایی مدارس چندپایه استان لرستان است که با روش نمونه‌گیری هدفمند و براساس اشیاع نظری داده‌ها، ۱۴ معلم انتخاب شد و با ابزارهای مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته داده‌ها جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیل محتوا انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد معلمان دارای فرهنگ ارتباط مثبت و انتقادشده در ارتباط با همکاران، والدین و دانش‌آموزان بودند. فرهنگ ارتباط و مشارکت معلمان در ارتباط با همکاران، والدین و دانش‌آموزان با توجه به شرایط محیطی، سطح سواد و توقع همکاران، والدین و دانش‌آموزان متفاوت بود. از روابط مثبت می‌توان به به‌کارگرفتن اصول روابط کلامی و روابط غیرکلامی برای انتقال مفهوم درسی به دانش‌آموزان، اجرای جلسه‌های توجیهی برای والدین، ارتباط همراه با ادب و احترام، از روابط فرهنگی انتقادشده، می‌توان به بدخواهی و بدبینی معلمان نسبت به یکدیگر، حس رقابت منفی، بی‌تفاوتی و استفاده نکردن از فکر و ایده‌های یکدیگر در بین معلمان هم‌پایه، اهمیت دانش‌آموزان بعد از مواد درسی، گوش ندادن به صدای دانش‌آموزان، توقعات ناهنجار والدین و بخشنامه‌ای بودن ارتباطات نام برد. نتایج مطالعه حاضر برای شناسایی تفاوت‌های فرهنگی و اقدامات لازم با توجه به شرایط کلاس‌های چندپایه در نظام آموزشی مفید و کارآمد است.

واژگان کلیدی: فرهنگ روابط، فرهنگ معلمان، فرهنگ، مدارس روستایی و چندپایه.

مقدمه

توسعه جوامع در گرو توسعه عوامل زیربنایی آن است؛ بنابراین جامعه‌ای موفق است که نیاز و انتظارات افراد را به صورت جامع و همه‌جانبه برآورده کند و برنامه‌های آن از کیفیتی برخوردار باشد که مقاصد را به صورت بهتر و مؤثرتر تأمین کند. بنابراین، جوامع برای روبه‌رو شدن با وضعیت موجود، به شناخت ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیاز دارند. در فهم و شناخت آموزش و پرورش می‌توان سه رویکرد کلان و کلی سیاسی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی را از یکدیگر متمایز کرد. هر سه رویکرد به نوعی، آموزش و پرورش را در ارتباط با جامعه و کلیت آن می‌بینند؛ اما هر یک، بر یک بعد و رکن جامعه به مثابه هسته اصلی و متغیر تعیین‌کننده آموزش و پرورش تکیه و تأکید دارند. ویژگی جمعی و اجتماعی بودن آموزش، یادگیری و یاددهی گویای این واقعیت است که آموزش پدیده‌ای فرهنگی است، همان‌طور که فرهنگ نیز ماهیتاً راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌یابی، از نسلی به نسل بعد آموزش داده می‌شود. در پژوهش‌های متعددی به فرهنگ در آموزش اشاره شده است (فاضلی، ۱۳۹۰؛ کوش، ۱۳۸۹؛ کای^۱، ۲۰۰۶). «فرهنگ هر جامعه ثمره کوشش‌هایی است که اعضای آن جامعه در طول قرون و نسل‌ها در پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و غیرمادی خود به عمل آورده‌اند. با پذیرفتن این تعریف به این نتیجه می‌توان رسید که هیچ قوم یا جامعه‌ای فاقد فرهنگ نیست» (کوش، ۱۳۸۹، ص ۱). به بیان شاین^۲، فرهنگ ساخته یک گروه انسانی است. هر جا یک گروه تجارب مشترک کافی باشد، فرهنگ شکل می‌گیرد. در نتیجه، هر فرهنگ به دلیل هویتی که به اعضای خود می‌دهد، محترم و باارزش است و هر فرهنگی این حق را دارد خود را به دیگران عرضه کند. به‌طور ساده و کلی، می‌توان رویکرد فرهنگی به آموزش را تبیین کلیه امور و مؤلفه‌های آموزشی براساس فرهنگ به‌مثابه عامل تعیین‌کننده در کلیت آموزش دانست. به این معنا که فعالیت‌های آموزشی همواره درون یک زمینه فرهنگی یا نظام معنایی متشکل از باورها، ارزش‌ها، جهان‌بینی، هنجارها و آداب و رسوم شکل می‌گیرند و در عین

1. Kai
2. Shyne

حال آموزش دارای پیامدهای گوناگون برای فرهنگ است و می‌تواند ایستایی و پویایی فرهنگ را ضمانت کند (دیویت^۱، ۲۰۱۴).

رویکردی که بر آن است روشی را به کار بندد تا همه فرهنگ‌های مختلف با همه وجود ارزشمند شمرده شود، رویکرد چندفرهنگی است. رویکرد چندفرهنگی درصدد ایجاد تعامل، تفاهم و تبادل بین‌فرهنگی است، به طوری که فرهنگ‌های مختلف با کمترین تنش و به صورت مسالمت‌آمیز امکان همزیستی پیدا کنند (صادقی، ۱۳۹۰). قوم لر تاریخی مشترک با سایر ایرانیان داشته، و فراز و نشیب‌های بسیاری در این تعامل طولانی تجربه کرده است. شیخاوندی (۱۳۸۳) نشان داد به طور آگاهانه از پرداختن به مقولات هویت و فرهنگ قومی پرهیز شده است (شیخاوندی، ۱۳۸۳). تاریخچه آموزش و پرورش استان لرستان در مقایسه با استان‌های دیگر، مخصوصاً از زمان حکومت پهلوی تا حال با توجه به سیستم متمرکز نظام آموزشی نشان می‌دهد، فرهنگ استان لرستان نادیده گرفته شده است. همچنین، نتایج پژوهش معلم علی‌آبادی (۱۳۸۸) نشان داد، قوم گیلک، ترکمن، بلوچ، ترک، کرد، عرب و لر، به ترتیب، بیشترین سهم را در کتاب‌های درسی مربوطه را به خود اختصاص داده‌اند که تأییدکننده نادیده گرفتن فرهنگ قوم لر در آموزش و پرورش است. معلمان لرستان به عنوان یکی از مجموعه‌های فرهنگی ایران، آداب و روابط فرهنگی خاصی به ویژه در مناطق عشایری و روستایی دارند، که آثار آن بر نظام آموزشی، موضوعی قابل پژوهش و شناسایی است. بنابراین، انجام دادن پژوهشی در ارتباط با فرهنگ ارتباط معلمان لرستان با توجه به نگرش‌ها، باورها، پراکندگی‌های محیطی، شرایط قومی، زبانی و فرهنگی خاص استان ضرورت دارد. سابقه پرداختن به فرهنگ معلمی در کشورهای اروپایی به دهه هشتاد میلادی برمی‌گردد (میرعرب رضی، ۱۳۹۲). در پژوهش‌های متعددی به فرهنگ معلمی اشاره شده است (گلیگروس^۲ و همکاران، ۲۰۱۶؛ لام^۳، ۲۰۰۷). لام، تأیید کرده است در جریان اصلاحات آموزش و

1. Davitt
2. Gligorovic
3. Lam & Lidstone

پرورش، صدای معلمان تا حد زیادی نادیده گرفته می‌شود یا اصلاً شنیده نمی‌شود. در نظام‌های آموزشی علاوه بر مسائل کمی و همگانی آموزش، ناگزیر از توجه به مسائل کیفی پدیده‌های آموزشی هستند و ارتقای کیفیت آموزشی را ضمن توجه به منابع و تجهیزات از طریق اصلی‌ترین عامل یعنی معلم مطالعه کرده‌اند (گلیگروس و همکاران، ۲۰۱۶).

پژوهش میرعرب رضی (۱۳۹۲) نقطه عزیمت پژوهش حاضر برای پرداختن به مسائل فرهنگی معلم با این رویکرد شد و در این زمینه بسیار راهگشا بود. او در پژوهش خود بیشتر به صورت نظری به دنبال تأکید بر مباحث انسان‌شناسی فرهنگی در تغییرات برنامه درسی بوده، که درک فرهنگ معلمی عاملی ضروری برای آغاز هرگونه اصلاح است. این پژوهش با وجود قوت بسیار، نقاط ضعفی هم دارد. از نقاط ضعف این است که اساس کار این پژوهش بر مبنای پرسشنامه فرهنگ سازمانی دانهام^۱ و همکاران است و اساس ساخت این پرسشنامه بر فرهنگ سازمان است، نه فرهنگ معلمی و از نقاط ضعف دیگر اینکه بر مشاهده مشارکتی مردم‌نگاری و دیدن همه جوانب فرهنگ معلمی با توجه به ادامه تحقیقاتی که خارج از ایران انجام گرفته، نپرداخته است و فقط بر نظر معلمان در پذیرش و پذیرفتن تغییرات در درس علوم تأکید شده است. همچنین، کاشی (۱۳۹۱) نشان داد ۱۴ محور نیاز آموزشی برای معلمان عبارت‌اند از توانایی برخورد و ارتباط مؤثر با همکاران، دانش‌آموزان و اولیا، آگاهی از تأثیر انگیزش در یادگیری و آموزش، آشنایی با شرایط یادگیری مؤثر و پایدار و عوامل مؤثر در آن، شیوه‌های مؤثر تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت، آگاهی از قوانین آموزشی حوزه کاری خود، آشنایی با ساختار و اهداف کتب درسی دوره ابتدایی است که در پژوهش او فقط اهمیت نیازهای آموزشی بدون پرداختن به شناسایی و واکاوی آن‌ها بیان شده است.

فتحی و اجارگاه (۱۳۸۳) در پژوهشی شرکت معلمان در فرایند برنامه‌ریزی درسی، نتایج و دستاوردهای بسیاری برای نظام آموزشی هر کشوری دارد، در نظام آموزشی ایران معلمان فاقد هرگونه قدرت تصمیم‌گیری در این زمینه هستند. قمریان (۱۳۸۳) نشان داد بین خلاقیت،

1. Danham

خطرپذیری و توجه به جزئیات و میزان مشارکت دبیران، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (قمریان، ۱۳۸۳). پژوهش گویا و ایزدی (۱۳۸۱) نشان داد مشارکت معلمان در فرایند برنامه‌ریزی درسی از زمان تخصصی‌شدن قلمروهای برنامه‌ریزی درسی مطرح بوده است. از آنجا که نقش معلمان در طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی نقشی محوری است، مشارکت آنان سبب افزایش احساس تعلق آنان در برنامه درسی می‌شود.

همچنین، استورا (۱۳۷۷) معتقد است روابط کاری و همکاری همان سپری^۱ است که فرد را از آثار منفی محافظت می‌کند. وقتی روابط ضعیف باشد، کارکنان احساس نگرانی و خطر می‌کنند و علاوه بر آن، داشتن روابط ضعیف به اعتماد کم، علاقه کم و حمایت کم منجر می‌شود و در نتیجه افراد، رغبتی به شنیدن مشکل دیگران از خود نشان نمی‌دهند و کارکنانی که روابط سستی با همکاران دارند، وقتی دستخوش استرس می‌شوند، همکاران خود را مقصر می‌دانند؛ این مشکل، ناشی از رقابت و تعارضاتی است که معمولاً به‌عنوان سیاست‌های اداری توصیف می‌شوند.

کای (۲۰۰۶) نشان داد مشارکت معلمان در مدارس ابتدایی از حد مطلوب پایین‌تر است و شدت رابطه میان جو مدرسه، با اثربخشی مدرسه بیشتر از رابطه میان مشارکت معلمان و اثربخشی مدرسه است و میان وضعیت موجود و مطلوب مشارکت معلمان تفاوت وجود دارد. کاردس^۲ و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند قسمت زیادی از هنجارهایی که معلمان جدید از تعاملات درون مدرسه بیان کرده‌اند، به وسیله معلمان باتجربه مشخص می‌شود. از نقاط مثبت این پژوهش این است که به بررسی فرهنگ روابط معلمان پرداخته و اینکه این فرهنگ بر تجارب آنها در محیط یادگیری تأثیرگذار است و فرهنگ منفی به حساب نیاموردن معلمان تازه‌وارد را زیر سؤال برده است.

با توجه به مطالب یادشده، بحث حاضر به نوعی رویکردی میان‌رشته‌ای با نگاه تفسیری به کار معلم است. در این رویکرد سعی می‌شود فرهنگ ارتباط معلمان استان لرستان (نماینده قوم لر) که

1. Buffering
2. Kardos

کمتر پژوهش و بررسی شده است، شناسایی و تحلیل شود. بنابراین، مسئله اصلی در مطالعه حاضر، واکاوی و شناسایی وضعیت کنونی فرهنگ ارتباط معلمان مدارس روستایی و چندپایه لرستان براساس عوامل فرهنگ ارتباط معلمی است. فرهنگ ارتباط نشان‌دهنده نوع رابطه معلمان در مسائل آموزشی با همکاران، دانش‌آموزان و والدین است. در پژوهش‌های پیشین بر فرهنگ ارتباط همکاران در محیط و نقش همکاری معلمان در نظام آموزشی پرداخته شد؛ اما در پژوهش حاضر علاوه بر شناسایی فرهنگ ارتباط معلمان با همکاران، فرهنگ ارتباط معلمان با والدین و دانش‌آموزان که در نظام آموزشی اهمیت دارد، شناسایی شد. در نهایت، مسأله اصلی پژوهش این است که فرهنگ روابط معلمان با همکاران، والدین و دانش‌آموزان در مدارس روستایی و چندپایه چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

روش مطالعه حاضر، کیفی از نوع قوم‌نگاری بوده است. از منظری این پژوهش، توصیفی است. پژوهشگر به توصیف علمی فرهنگ‌های مختلف می‌پردازد، قوم‌نگاری^۱ به معنای توصیفی از مردم و فرهنگ‌هاست. فرهنگ، مفهومی محوری در پژوهش قوم‌نگاری یا مردم‌نگاری است (گال، بورگ و گال، ۱۳۸۶). «مردم‌نگاران از طریق غرق‌شدن در زندگی در یک زمینه قابل مطالعه و مقایسه با زمینه پژوهش علمی، متغیرها را توصیف، تفکیک کرده و شرایط را تبیین، توصیف و پیش‌بینی می‌کنند» (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۴). در پژوهش حاضر، نخست از طریق بررسی متون مرتبط با مصاحبه، چارچوب اولیه شناسایی فرهنگ معلمان طراحی شده است. در این مرحله نمونه پژوهش، معلمان دوره ابتدایی استان لرستان بودند که براساس معیارهای نظری و میزان روشنائی‌بخشی احتمالی‌شان برای پژوهش، انتخاب شده‌اند. در این روش انتخاب آگاهانه شرکت‌کننده‌های خاص توسط پژوهشگر است که اطلاعات جدیدی ارائه شود؛ زیرا افرادی که

بیشترین اطلاعات در زمینه موضوع مطالعه شده دارند، برای پاسخگویی به پرسش‌ها انتخاب می‌شوند. بر این اساس، تعداد مشارکت‌کنندگان در پژوهش براساس اشباع نظری تعیین شد و به ۱۴ نفر رسید. مصاحبه‌شوندگان از دو جنسیت مرد و زن بودند. سابقه تدریس شرکت‌کنندگان در مصاحبه، بین ۴ تا ۲۸ سال بوده است. روش گردآوری اطلاعات در بخش کیفی، مشاهده مشارکتی و با توجه به اینکه پرسش‌ها تا حدی مشخص بودند، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. داده‌های متنی استخراج شده از مشاهده و مصاحبه که دارای معانی خاص در پاسخ به پرسش پژوهشی بودند، با توجه به پرسش‌ها توصیف و تفسیر شدند. تأیید همکاران پرسش، مهم‌ترین ملاک برای ایجاد اعتبار در پژوهش‌های کیفی است (مرتین^۱، ۲۰۰۵). در پژوهش حاضر، تأیید همکاران پژوهش به دو شکل رسمی و غیررسمی انجام گرفت. برای مثال، در پایان مصاحبه، محقق گفته‌ها را خلاصه می‌کرد و می‌پرسید: آیا یادداشت‌های محقق به‌طور صحیح، منعکس‌کننده وضعیت شخص هستند یا خیر؟، سپس، پیش‌نویس گزارش پژوهش با اعضای شرکت‌کننده برای تفسیر به اشتراک گذاشته می‌شد. چندجانبه‌نگری، نیز به عنوان یکی از روش‌های فراهم‌کردن اعتبار برای آزمون‌های کیفی است. ابزارهای چندگانه‌ای مثل مصاحبه و مشاهده در پژوهش حاضر به‌کار گرفته شد و اطلاعات از طریق این روش‌ها و با تحلیل محتوا بررسی شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش براساس پرسش‌های پژوهش به شرح زیر سازماندهی شده است.

پرسش ۱. فرهنگ ارتباط و مشارکت معلمان ابتدایی مدارس چندپایه با همکاران چگونه است؟
با توجه به مشاهده‌های انجام گرفته و بیانات اطلاع‌رسان‌ها، فرهنگ ارتباط و مشارکت معلمان با همکاران به دو صورت مثبت و انتقادشده شناسایی شد که در ادامه، می‌توان به مفاهیم و جملاتی متفاوت در زمینه فرهنگ ارتباط و مشارکت معلمان با همکاران اشاره کرد. با توجه به مشاهدات

1. Mertens

انجام گرفته در طول سال تحصیلی، بیشترین زمانی که معلمان باهم ارتباط دارند، زنگ تفریح است؛ با توجه به احتساب زنگ‌های تفریح در طول روز معلمان حدود ۵۰ دقیقه در اتاق معلمان- که در بیشتر مدارس مشترک با اتاق مدیر است- در کنار یکدیگرند و جذابترین کار در زنگ تفریح، خوردن چای است. نبود اتاق کاری مجزا برای همکاری معلمان، زمان مناسب علاوه بر زمان کلاسی برای حضور در مدارس برای بررسی مشکلات دانش‌آموزان و بودجه لازم برای انجام دادن کارهای پژوهشی، معلمان را به ماشین‌هایی تبدیل کرده است که بدون همکاری با سایر معلمان فقط موظف‌اند محتوایی را طبق زمان‌بندی خاص، در کلاس ارائه دهند و هیچ‌گونه دغدغه فکری و علمی دقیق برای مسائل درسی و یادگیری دانش‌آموزان در ارتباط نداشته باشند. معلمان در این سطح تنها گذاشته شده‌اند، تا با نوآوری‌های تحمیل‌شده از بالا، درگیر شوند. ارتباط معلمان در سطح مدارس به صورت رسمی و در حد بخشنامه‌هاست. بیشتر بخشنامه‌هایی که از طرف اداره به مدارس فرستاده می‌شود، ربطی به رابطه و مشارکت معلمان باهم ندارد و بیشتر تأکید بر این است که معلمان کارها را به صورت انفرادی انجام دهند و مشارکت زیادی بین معلمان وجود ندارند. با توجه به مشاهدات انجام‌گرفته، معلمان هم‌پایه در استان لرستان نسبت به معلمان هم‌پایه خود ارتباط کمتری دارند و بیشتر بین آن‌ها رقابت‌های کاذبی وجود دارد که تا حدی این نوع ارتباط به فرهنگ جامعه و نوع سیستم آموزشی و بخشنامه‌های ادارات برمی‌گردد. با توجه به تقسیم‌بندی‌های که در اداره شکل می‌گیرد و معلمان به صورت چرخشی هرچند سال یک‌بار محل خدمت آن‌ها متفاوت است، صمیمیتی که در کارکنان ادارات دیگر به واسطه ارتباط مستمر و دائمی و در بعضی مواقع به صورت خانوادگی وجود دارد، در مدارس ایجاد نمی‌شود؛ علت اصلی این موضوع را جوّ مدرسه و ارتباطات رسمی معلمان و رقابت‌های منفی که به واسطه سیستم نظام آموزشی به وجود آمده است، می‌توان بیان کرد. دفترچه‌ای درباره جلسات شورای معلمان در مدارس وجود دارد که مدیر موظف است ماهی یک‌بار این جلسه را برگزار کند تا معلمان در ارتباط با مسائل آموزشی و مشکلات مدرسه، انتقادات و یا پیشنهادهایی ارائه دهند؛ که در بیشتر مواقع بدون برگزاری جلسات شورای معلمان این دفترچه به صورت فرمالیته پر می‌شود. در بعضی

از مدارس به واسطه شوخی‌های نامتعارف و در بعضی مواقع دادن القاب زشت، ارتباطات همکاران فرهنگی کمتر شده، و بعضی مواقع موجب برخوردهای نامناسب همکاران نسبت به همدیگر می‌شود؛ عامل این معضل، جو نامناسب در محیط مدرسه و در نتیجه، ارتباط کمتر معلمان نسبت به هم می‌شود. معلمان به دلایل متعدد، از جمله اسکان چندروزه بعضی از آن‌ها در مدارس، یا اینکه ممکن است در اکثر مواقع چندین سال کنار هم در یک مدرسه مشغول خدمتند، ارتباط صمیمی بیشتری دارند. با توجه به مشاهدات، تأثیرگذاری روابط مدیران در مدارس به چند صورت است؛ نخست، بعضی از مدیران بی‌نظم بوده و به‌موقع ورود و خروج ندارند و همین سبب بی‌انضباطی معلمان و سایر عوامل کادر می‌شود؛ دوم، مدیرانی که منظم‌اند، ولی انعطاف‌پذیری لازم را ندارند و همین انعطاف‌نداشتن در بیشتر مواقع مشکلاتی را در سطح مدرسه ایجاد می‌کند. اما مدیرانی هستند که علاوه بر نظم در مباحث آموزشی و تربیتی، دارای روابط انسانی بسیار پسندیده‌ای با معلمان هستند و این روابط مناسب مدیر با معلمان، خودبه‌خود سبب روابط مؤثر، همراه با مشارکت معلمان در مسائل مختلف درسی و غیردرسی در ارتباط با هم می‌شود.

در هر مدرسه اگر رابطه مدیر با همکاران درست و منطقی باشد و جو کارکنان مدرسه سالم و به نیازهای عاطفی همکاران توجه داشته باشند، خودبه‌خود در بین معلمان رابطه صمیمی و مطلوبی پیش می‌آید. از مشکلات نظام آموزشی در این استان این است که معلمان دوست ندارند با دیگر معلمان در بررسی مسائل درسی سهیم باشند و درست یا اشتباه تمام مسائل کاری را فقط خود معلمان برعهده می‌گیرند و اگر مشکلی وجود داشته باشد، شرایط به‌صورتی است که پرسش را نشان‌دهنده ضعف و بی‌سوادی معلم می‌دانند. بیشترین زمان ارتباط معلمان باهم در زنگ تفریح است. در زنگ تفریح معلمان بیشتر درباره مسائل روزمره، مباحث سیاسی، شخصی و خانوادگی صحبت می‌کنند. از دیگر مشکلات مشاهده‌شده این است که در مناطق روستایی به علت آشنایی و طایفه‌بازی، معلمان و همکاران کم‌کاری همدیگر را چشم‌پوشی می‌کردند. نوع گفت‌وگوی بعضی از معلمان روستا نشان از صمیمیت و رابطه فراتر از محیط مدرسه بود و اینکه علاوه بر محیط مدرسه در طول هفته به مراتب باهم ارتباط داشتند.

همچنین، با نگاهی به بیانات اطلاع‌رسان‌ها این‌طور استنتاج می‌شود که اکثر افراد مصاحبه‌شونده هم فرهنگ روابط مثبت و هم فرهنگ روابط انتقادشده برای معلمان در ارتباط با همکاران شناسایی کرده‌اند که به بیان برخی نظرهای اطلاع‌رسان‌ها پرداخته می‌شود:

- «رابطه با همکاران و مشارکتمان باهم در حد بخشنامه‌های مدرسه هست که از طرف اداره می‌آید و بیشتر به صورت رسمیه، البته بیشترین رابطه ما در زنگ تفریح و هنگام خوردن چای با همدیگه هست و رابطه آنچنانی با هم نداریم...» (اطلاع‌رسان ۱).
- «چون تعداد ما معلمان زیاده و هرسال یا دو سه سال در یک مدرسه خدمت می‌کنیم، مثل بقیه ادارات ارتباطاتمان زیاد صمیمانه نیست و در حد شغلمونه؛ مثلاً ضامن یکدیگه در بانک‌ها می‌شیم در همین حد یا در روز معلم یکبار با هم تفریح می‌ریم» (اطلاع‌رسان ۳).
- «اگر رابطه با توجه با مشکل شخصی باشد و همکاری نیاز به کمک مالی یا غیرمالی داشته باشد و یا در زمینه خانوادگی دچار مشکل بشه، به‌عنوان مثال بیماری پیش بیاید به هم کمک می‌کنیم» (اطلاع‌رسان ۴).
- «در مجموع در اجرای امور کاری با یکدیگر تعامل و همکاری صمیمانه عمیقی دارند، برای مثال، در روش تدریس بعضی از دروس با یکدیگر تبادل نظر می‌کنیم و صمیمانه باهم همکاری داریم» (اطلاع‌رسان ۷).
- «روابط معلمان با همکاران به دو صورت است: معلمان هم‌پایه که رقابت و شاید گفت‌وگوهای زیادی بین آنها وجود دارد و شگرد تدریس همدیگر را لو نمی‌دهند و دوست دارند، نفر اول پایه خودشان باشند و همین سبب شده بعضی مواقع پشت سر هم حرف بزنند و اشکالات همدیگر را لو بدنند و دوم، رابطه با بقیه پایه‌ها که به صورت عادی است» (اطلاع‌رسان ۹).
- «رابطه معلمان با هم رابطه دوستانه و تعاملی است و بیشتر از اوضاع همدیگه از لحاظ معیشتی، خانوادگی باخبر هستند و در هنگام بروز مشکل در کنار همدیگر هستیم؛ مثلاً در شادی‌ها و در غم‌ها در کنار هم هستیم» (اطلاع‌رسان ۱۰).

- «در برنامه‌های درس‌پژوهی با همکاری و همفکری طرح را اجرا می‌کنیم» (اطلاع‌رسان ۱۱).
- «معلمان با همکارانشان بعضاً رفتار مهربان و صمیمی دارند و بعضی‌ها رفتارشان خشک و دسته‌سوم انزواطلبی را پیشه می‌کنند» (اطلاع‌رسان ۱۲).
- «روابط در بیشتر اوقات همراه با روابط خانوادگی است و در طول یک ماه ممکن است چندبار ناهار و شام با هم باشیم و این روابط در بیشتر اوقات در آینده نیز ادامه دارد» (اطلاع‌رسان ۱۳).
- «اگر برای یکی از همکاران مشکلی به وجود بیاید، همکاران کلاس او را به‌گونه‌ای اداره می‌کنند که نه به کلاس خود لطمه‌ای وارد شود و نه به کلاس همکار» (اطلاع‌رسان ۱۴).

جدول ۱. شناسایی فرهنگ مشارکت و ارتباط معلمان با همکاران

کدهای توصیفی	کدهای تفسیری	کد تبیینی
<ul style="list-style-type: none"> - انتقال آگاهی و تجربه‌های بین همکاران - پذیرش خطاهای یکدیگر و واقع‌گرا بودن - مشورت و نظرخواهی در زمینه‌های مختلف - دوستی‌های پایدار - روحیه تعاون و همکاری - همکاری داوطلبانه و صمیمی - حس پرسش و پاسخ در معلمان هم‌پایه - همکاری در حد رفع اشکال و ایرادها یکدیگر - دوری از تشریفات 	<ul style="list-style-type: none"> نگاه مثبت به فرهنگ ارتباط و مشارکت 	فرهنگ ارتباط معلمان با همکاران
<ul style="list-style-type: none"> - حس حسادت و انتقاد بی‌جا - بدخواهی، بدبینی و بدگویی نسبت به هم - حس بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر - استفاده نکردن از فکر و ایده‌های یکدیگر - حس رقابت منفی در بین دبیران هم‌پایه - روابط فقط به‌طور رسمی و در محیط مدرسه - روابط سطحی و در محیط مدرسه 	<ul style="list-style-type: none"> دیدگاه منتقدانه به فرهنگ ارتباط و مشارکت 	

پرسش ۲. فرهنگ ارتباط و مشارکت معلمان ابتدایی مدارس چندپایه با والدین چگونه است؟ رابطه معلمان در بیشتر اوقات با والدین طوری است که در صورت بروز مشکلات رفتاری، آموزشی، تربیتی دانش‌آموزان، والدین به مدرسه مراجعه می‌کنند و در زنگ تفریح برای رفع مشکلات دانش‌آموزان باهم تبادل نظر می‌کنند و سعی در اصلاح و بهبود شرایط دانش‌آموزان دارند. بیشتر خانواده‌هایی که تحصیلات بیشتری دارند، ارتباط بیشتری با معلمان دارند و اولیا با این ارتباط، هم از وضعیت تحصیلی فرزندانشان اطلاعاتی به دست می‌آورند و هم مدیر و معلمان مدرسه اطلاعات آنان را در آموزش و یادگیری به کار می‌گیرند. به علت سطح تحصیلات و سواد پایین، بیشتر مردم روستا و بی‌اهمیت بودن تدریس از نظر بعضی والدین رابطه بین معلمان و والدین در این مدارس در سطح بسیار پایینی است، معلم به تنهایی همه‌کاره است و والدین از وضعیت تحصیلی فرزندانشان تقریباً بی‌اطلاع‌اند و در جریان فرایند یاددهی-یادگیری نیستند. در بعضی از مدارس با توجه به شرایط و امکانات موجود و پیشرفت فناوری، مدیر، یا معلم در فضای مجازی با تشکیل دادن گروه، با والدین دانش‌آموزان برای رفع مشکلات دانش‌آموزان ارتباط دارند و سعی در برطرف کردن موانع همراه با والدین هستند.

در اوایل سال تحصیلی، اولیای دانش‌آموزان، همراه با دانش‌آموزان در کلاس معلمان حضور یافتند و معلمان در ارتباط با مسائل تربیتی و آموزشی و وظایف والدین در طول سال تحصیلی مباحثی بیان کردند؛ از جمله می‌توان به چگونگی حضور والدین در طول هفته، مخصوصاً در زنگ‌های تفریح، وظایف والدین با توجه به تکالیفی که دانش‌آموزان در منزل انجام می‌دهند و موارد دیگر، اطلاع‌رسانی کافی انجام گرفت. در بعضی از مدارس توقعات نابه‌جای والدین از معلمان در بیشتر مواقع سبب مشکلات و ایجاد مشاجراتی بین معلم و والدین شده است، به ویژه اگر قرابت‌های فامیلی دخیل باشد؛ بیشتر این مشکلات به روش ارزشیابی معلمان، مکان نشستن دانش‌آموزان، شیطنت و دعوای دانش‌آموزان و نحوه تدریس معلمان برمی‌گردد که در بیشتر مواقع با صحبت معلمان با والدین و تغییراتی که معلمان ممکن است، انجام دهند، به خوبی قابل حل است. انجمن اولیا و مربیان در بیشتر مدارس روستایی دوره ابتدایی استان لرستان به صورت صوری

و بدون ترتیب اثر برگزار می‌شود. نوع ارتباط والدین با مدارس به چند صورت است؛ جلسات گروهی دربارهٔ مباحث عمومی در سطح مدارس که از همهٔ اولیا خواسته می‌شود به مدرسه بیایند و با مطرح کردن مباحثی که در ارتباط با کل دانش‌آموزان است، سعی در روشنگری والدین و یا ارائهٔ نظرهای اولیا دربارهٔ آموزش دارند؛ مثلاً مسابقات خاصی که در سطح مدارس برگزار می‌شود یا نوع آمادگی دانش‌آموزان برای شرکت در آزمون‌ها. بعضی مواقع نوع ارتباط والدین به صورت احضار فردی والدین با توجه به نوع مسئله دانش‌آموزان است، مثلاً تأخیر، غیبت، یا مشکلات درسی دانش‌آموزان، نوع دیگر ارتباط به صورت تلفنی است و مسئلهٔ مورد نظر را از طریق تلفن حل می‌کنند. فرهنگ کمک مادی به ارتقای علمی دانش‌آموزان از سوی والدین، به علت سواد پایین و مشکلات اقتصادی آن خانواده‌هاست؛ ویژگی‌های والدین مانند مقام، ثروت، پست یا سطح سواد، در بعضی از معلمان در نوع برخورد با دانش‌آموزان این نوع والدین تأثیرگذار است و سبب توجه و محبت یا احترام بیشتر دانش‌آموزان به واسطهٔ تأثیر والدین می‌شود، زرنگی و تنبلی، بی‌ادبی یا ادب داشتن دانش‌آموزان نیز در نوع برخورد معلمان با والدین تأثیرگذار است و در اکثر اوقات معلمان با والدین دانش‌آموزان زرنگ و مؤدب ارتباط بهتری دارند.

همچنین، با نگاهی به بیانات اطلاع‌رسان‌ها این‌طور استنتاج می‌شود که اکثر افراد مصاحبه‌شونده هم فرهنگ روابط مثبت و هم فرهنگ روابط انتقادشده و ناپسند برای معلمان را در ارتباط با والدین شناسایی کرده‌اند. در ادامه، نظر برخی اطلاع‌رسان‌ها بیان می‌شود:

- «در ابتدای سال تحصیلی معلم با برگزاری جلسهٔ توجیهی برای اولیا قصد یاری‌رسانی آن‌ها در امر آموزش به معلم و دانش‌آموزان را دارد» (اطلاع‌رسان ۱).
- «رابطهٔ معلمان با والدین در منطقهٔ ما به علت قرابت‌های فامیلی و خویشاوندی بسیار خوبه؛ ولی گاهی همین توقعات فامیلی در ثبت نام و نمره دادن سبب کدر شدن روابط می‌شود» (اطلاع‌رسان ۲).
- «رابطهٔ آنجنانی وجود ندارد، بعضی از والدین بیشتر از پیشرفت و مشکلات درسی بچه‌ها باخبرند و بعضی هم کمتر. بعضی از والدین برای توجه بیشتر به فرزندشون و اعتراض

- نسبت به دانش‌آموزان دیگه با هم ارتباط داریم و بیشتر وضع درسی و اخلاقی دانش‌آموزان رو به آن‌ها گزارش می‌دهیم» (اطلاع‌رسان ۴).
- «رابطه معلم با والدین کلاس باید بسیار صمیمی و دوستانه و محبت‌آمیز باشد و معلم بتواند مشکلات دانش‌آموزان و محیط کاری را به‌راحتی بیان کند تا اولیا هم در حل مشکلات مدرسه و کمبودهای محیط آموزشی با معلم همکاری لازم داشته باشند» (اطلاع‌رسان ۵)
- «رابطه باید به‌صورت پویا و مستمر، با احترام متقابل، پیگیری وضعیت درسی، اخلاقی فرزندان، و شرکت در کلاس‌های آموزش خانواده و انجمن اولیا باشد» (اطلاع‌رسان ۶).
- «ارتباط با اولیای دانش‌آموزان بیشتر در زمینه مسائل و مشکلات درسی، تربیتی و انضباطی شاگردان صورت می‌گیرد، بیشتر در طول سال تحصیلی و به‌صورت فردی براساس ضرورت با هماهنگی و اطلاع قبلی، به دفعات با اولیای دانش‌آموزان برقرار می‌شود» (اطلاع‌رسان ۷).
- «معلم باید حتماً در طول هفته با والدین ارتباط داشته و جلسات ماهانه نیز باید برگزار شود والدین می‌توانند پشتیبان خوبی برای مدرسه باشند و همواره مدرسه را در تهیه وسایل مورد نیاز برای فعالیت‌ها پشتیبانی کنند» (اطلاع‌رسان ۸).
- «بعضی وقت‌ها معلم در جایگاه مشاور از دید اولیا قرار دارد. خیلی وقت‌ها شناخت اولیا از دانش‌آموزان با صحبت‌های معلم کامل می‌شود و بالعکس» (اطلاع‌رسان ۹).
- «والدین توقع دارند معلم به‌تنهایی به دانش‌آموزان رسیدگی کامل داشته و انتظار دارند که تکالیف زیادی به آن‌ها بدهند. با تغییر روش‌های تدریس در سال‌های اخیر بسیاری از خانواده‌ها با این روش‌ها آشنایی ندارند و این خود یک چالش بسیار بدی بر سر راه هست» (اطلاع‌رسان ۱۱).
- «امروزه با تغییراتی که در محتوای کتب درسی رخ داده است، نقش والدین به‌خصوص در پایه‌های پایین به‌اندازه معلم نباشد، کمتر از آن نیست و برای تحقق این مهم باید

کلاس‌های توجیهی برای والدین برگزار کرد و تا حد امکان آن‌ها را از این محتوا آگاه کرد تا با همکاری خانه و مدرسه امر یادگیری به صورت درست اجرا و تحقق یابد» (اطلاع‌رسان ۱۲).

- «طریقه برقرارکردن رابطه معلم با اولیا و دانش‌آموز به سادگی انجام می‌شود؛ مثلاً در کلاس، من از اولیا به عنوان همیار معلم استفاده می‌کنم، از اولیا می‌خواهم در درست‌کردن پوشه کار بچه‌ها یا بررسی تکالیف دانش‌آموزان به من کمک کند» (اطلاع‌رسان ۱۴).

جدول ۲. شناسایی فرهنگ مشارکت و ارتباط معلمان با والدین

کدهای توصیفی	کدهای تفسیری	کد تبیینی
<ul style="list-style-type: none"> -ارتباط مستمر والدین با معلمان -ارتباط همراه با ادب و احترام -اجرای جلسه‌های توجیهی -همکاری برای پیشبرد اهداف آموزشی و رفاهی -کمک از والدین در امر آموزش -وظایف والدین با توجه به تکالیف دانش‌آموزان در منزل -برگزاری جلسات گروهی در مباحث عمومی -ارتباط از طریق فضای مجازی -تأثیر تحصیلات و دانش زیاد بعضی والدین در ارتباط بهتر 	<ul style="list-style-type: none"> نگاه مثبت به فرهنگ ارتباط و مشارکت 	فرهنگ ارتباط
<ul style="list-style-type: none"> -گله‌مندی بی‌مورد از روش تدریس، محل نشستن دانش‌آموز و نوع نمره‌گذاری -انتظارات بیش از حد از یکدیگر -در حد آگاه‌کردن والدین از وضعیت درسی و اخلاقی -رودربایستی در نه گفتن به یکدیگر -بی‌تفاوتی بعضی والدین و همه‌کاره‌بودن معلمان -به دنبال مقصر بودن در کارها -صوری برگزارشدن انجمن اولیا و مربیان -تأثیر نوع ویژگی‌های درسی و انضباطی دانش‌آموزان در نوع ارتباط با هم -تأثیر ویژگی‌های ذاتی و عرضی والدین در ارتباط با نوع برخورد معلمان -فرهنگ پایین، کمک مادی به ارتقای علمی دانش‌آموزان 	<ul style="list-style-type: none"> دیدگاه منتقدانه به فرهنگ ارتباط و مشارکت 	معلمان با والدین

پرسش ۳. فرهنگ ارتباط و مشارکت معلمان ابتدایی مدارس چندپایه با دانش‌آموزان چگونه است؟

با توجه به مشاهدات بعضی از معلمان با نگاهی مهربانانه و دلسوزانه به دانش‌آموزان می‌نگریستند و ارتباط چشمی مناسبی در حین تدریس با شاگردان برقرار می‌کردند، فقط در مواردی برای ساکت کردن بچه‌ها صدای خود را بلند می‌کردند. بیشتر معلمان اصول روابط کلامی (فن بیان) و روابط غیرکلامی (حرکت بدن) را برای انتقال مفهوم درسی به‌خوبی به‌کار می‌گرفتند و دانش‌آموزان را تشویق می‌کردند. از جمله عواملی که به‌صورت مستمر در بیشتر مدارس، موجب نزدیکی و رابطه دانش‌آموزان با معلمان و کارکنان مدرسه می‌شد، ادای فریضه الهی نماز جماعت بود که سبب ایجاد فضای صمیمیت همراه با حرمت و محبت بین دانش‌آموزان و معلمان می‌شد. به‌جز نماز جماعت - که یک نوع برنامه درسی غیررسمی است و سبب نزدیکی و رابطه عاطفی بین معلمان، دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه شده است - در بیشتر مدارس این استان برنامه غیررسمی دیگری نبود که به‌صورت مستمر سبب نزدیکی افراد شود. در بعضی مواقع مشاهده شد که اگر یک دانش‌آموز ضعیف‌تر حتی هفتاد تا هشتاد درصد کار را به‌درستی انجام می‌داد، نه‌تنها تشویق نمی‌شد، به خاطر تمام‌نکردن تکلیف، سرزش هم می‌شد. این نوع فرهنگ که دانش‌آموزان بعد از مواد درسی، ارزش و اهمیت دارند و اولویت با مواد درسی و محتوا و ارائه محتوا برای دانش‌آموزان است، بین معلمان نهادینه شده است و دانش‌آموزان سربازانی هستند که موظف به یادگیری محتوا بوده و در اولویت دوم قرار می‌گیرند. بعضی از معلمان رابطه درست را در ساکت ماندن و گوش به فرمان بودن دانش‌آموزان می‌دانند و انسان‌های حرف گوش کن و ساکت نسبت به انسان‌های دیگر برایشان اهمیت بیشتری دارد.

برخورد معلمان با دانش‌آموزان در تدریس مقتدرانه و با توجه به مطالب کتاب بود؛ سکوت بچه‌ها در کلاس بیشتر به‌صورت رعب و وحشت بود تا از سر علاقه و جذب‌شدن به درس، احتمال اینکه معلم قبلاً با بچه‌ها برخورد فیزیکی داشته بود، نیز وجود داشت. نکته دیگر اینکه بعضی از دانش‌آموزان در کلاس منزوی و گوشه‌گیر بودند، به نظر می‌رسید چون سطح علمی و

درسی آن‌ها پایین بود، از آن‌ها در کلاس درس و مباحث مختلف درسی استفاده نمی‌شد، بیشتر معلمان که وارد کلاس درس می‌شدند، از بچه‌ها می‌پرسیدند که «الآن کجا را می‌خواهیم درس بدهیم»؛ که نشان‌دهنده آماده‌نبودن معلمان در محیط کلاس و درس است. در هیچ‌یک از کلاس‌هایی که مشاهده شد، شاهد اظهار نظر دانش‌آموز یا ارائه پیشنهاد از طرف دانش‌آموزان نبودیم؛ در بعضی از مدارس روستایی و چندپایه، حتی وقت کافی برای ارائه محتوا در اختیار معلمان نبود و بعضی از کتب به سلیقه معلم یا اصلاً تدریس نمی‌شد یا اینکه فقط مباحث خیلی اندکی از محتوای آن‌ها تدریس می‌شد. زیبایی، زشتی، مؤنث بودن یا مذکر بودن، بادب یا بی‌ادب بودن، ثروتمند یا فقیر بودن، تمام این موارد سبب می‌شود نوع ارتباط معلم با دانش‌آموزان متفاوت باشد.

همچنین، با نگاهی به بیانات اطلاع‌رسان‌ها این‌طور استنتاج می‌شود که اکثر افراد مصاحبه‌شونده هم فرهنگ روابط مثبت و هم فرهنگ روابط انتقادشده برای معلمان در ارتباط با دانش‌آموزان را شناسایی کرده‌اند، که به بیان برخی نظرات اطلاع‌رسان‌ها پرداخته می‌شود:

- «روابط نه زیاد خشک و جدی و نه باید افراطی باشد. ذهن دانش‌آموزان لوح سفیدی است که هرچه روی اون بنویسی، همان نقش را می‌پذیرد و آن‌ها هر تغییری را اگر آموزش صحیح داشته باشد، می‌پذیرند و اینکه معلم و والدین باهم این شرایط رو مهیا می‌کنند» (اطلاع‌رسان ۱).
- «رابطه معلمان با دانش‌آموزان باید قبل از استادی و شاگردی دوستانه و رابطه عاطفی و توأم با مهربانی و صداقت باشد» (اطلاع‌رسان ۲).
- «... معلمی یعنی راهنما بودن برای دانش‌آموزان و رساندن آن‌ها به اهداف مشخص. معلم در ارتباط با دانش‌آموزان باید توان صحبت کردن و گفت‌وگو را داشته تا بتواند آن‌ها را جذب خود کند تا مطالب را بهتر درک کنند» (اطلاع‌رسان ۳).
- «اگر از نظرات و پیشنهادها دانش‌آموزان استفاده شود، کار آموزش را آسان‌تر و راحت‌تر می‌کند و موجب رشد تفکر و خلاقیت در یادگیری دانش‌آموزان می‌شود» (اطلاع‌رسان ۵).

- «اگر کلی به این مسئله بنگریم معلم ناگزیر از برقراری رابطه‌ی حسنه با دانش‌آموزانه. معلمان همیشه باید در رابطه با دانش‌آموزان و خصوصیات آن‌ها در جهت کمک به شاگردان اطلاعات کافی داشته باشند» (اطلاع‌رسان ۶).
- «معلمان با دانش‌آموزان کمتر تعامل اجتماعی و رفتاری داشته، بیشتر سعی در آموزش دروس و ارزشیابی دارند و ارتباط آن‌ها با دانش‌آموزان بسیار کم است» (اطلاع‌رسان ۷).
- «دانش‌آموزانی که دارای مشکل درسی و رفتاری هستند، به مدیر و معاون و مشاور مدرسه معرفی می‌کنیم و پیگیر مشکلات آنان هستیم» (اطلاع‌رسان ۸).
- «بنده با حضور در فعالیت‌های فوق برنامه و ورزش و... علاقه خود را به دانش‌آموزان نشان می‌دهم و همین سبب رابطه مطلوب، دوستانه و حمایت‌کننده با دانش‌آموزان است» (اطلاع‌رسان ۹).
- «ارتباط خوب والدین و معلم با دانش‌آموز با توجه به روح لطیف در دوران ابتدایی بسیار تأثیر مثبت دارد؛ مثلاً تشویق دانش‌آموز تلاش او را بیشتر می‌کند، ولی برعکس بداخلاقی، باعث لطمه به روحیه لطیف دانش‌آموز می‌شود و توان و روحیه او را ضعیف‌تر می‌کند» (اطلاع‌رسان ۱۰).
- «دانش‌آموزان در مسیر نقش‌پذیری در مدرسه و در اجرای طرح‌ها و فعالیت‌ها مشارکت چشمگیر و فعالانه دارند؛ مثلاً دانش‌آموزان با نقش همیار طبیعت، سفیران سلامت در قبول نقش‌های اجتماعی پرتلاش هستند» (اطلاع‌رسان ۱۱).
- «برای اینکه بتوانم تغییرات مؤثری در دانش‌آموزانم ایجاد کنم، دارای برنامه خاصی در منزل هستم و از وقت کافی در منزل برای برنامه‌ریزی استفاده می‌کنم» (اطلاع‌رسان ۱۲).
- «رابطه معلمان با دانش‌آموزان باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان فضای مدرسه را برتر از فضای خانه خود بدانند و برای ورود به این فضا لحظه‌شماری کنند» (اطلاع‌رسان ۱۴).

جدول ۳. شناسایی فرهنگ مشارکت و ارتباط معلمان با دانش‌آموزان

کدهای تبیینی	کدهای تفسیری	کدهای توصیفی
فرهنگ ارتباط معلمان با دانش‌آموزان	نگاه مثبت به فرهنگ ارتباط و مشارکت	<ul style="list-style-type: none"> -روابط دوستانه، صمیمانه و مقتدرانه -روابط بیشتر درسی و به‌صورت ارزشیابی دروس -عاطفی و نزدیک، بیشتر از جنبه دانش‌آموزان -در حد آرامش و امنیت در هر دو طرف -راهنمای دانش‌آموزان برای رسیدن به اهداف دروس -رابطه دوستانه و صمیمانه از طریق بازی -روابط در روند آموزش از قبیل کنفرانس، شرکت در بحث‌های گروهی -ارتباط چشمی مناسب در حین تدریس با شاگردان -به‌کاربردن اصول روابط کلامی و غیرکلامی معلمان -برگزاری مراسمات غیررسمی مانند نماز جماعت
	دیدگاه منتقدانه به فرهنگ ارتباط و مشارکت	<ul style="list-style-type: none"> -تأثیر ویژگی‌های جسمی و درسی و خانوادگی دانش‌آموزان در نوع ارتباط -تسلط کامل بر دانش‌آموزان و استفاده نکردن از نظرات و پیشنهادهای -سرزنش و تشویق نکردن دانش‌آموزان به خاطر ضعف درسی -ارزش دانش‌آموز بعد از مواد درسی -انتظارات بیش از حد از یکدیگر -فقط تشویق دانش‌آموزان برتر -در حد درس پرسیدن و ارزشیابی -همه را با یک نگاه ندیدن -ساکت کردن دانش‌آموزان در همه مباحث -دانش‌آموز را لوح سفید در نظر گرفتن

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل فرهنگ روابط معلمان با همکاران، والدین و دانش‌آموزان با توجه به مشاهدات و نظر اکثر افراد مصاحبه‌شونده، نشان‌دهنده روابط مثبت و روابط انتقادشده برای معلمان است. با توجه به یافته‌های پژوهش، نبود اتاق کاری مجزا برای همکاری معلمان، ناکافی بودن زمان مناسب علاوه بر زمان کلاسی برای حضور در مدارس برای بررسی مشکلات دانش‌آموزان، کمبود بودجه لازم برای

پژوهش، معلمان را به ماشین‌هایی تبدیل کرده است که بدون تعامل با همکاران، فقط موظف‌اند محتوایی را طبق زمان‌بندی خاص، در کلاس ارائه دهند و هیچ‌گونه دغدغه فکری و علمی در ارتباط با مسائل درسی و یادگیری دانش‌آموزان در ارتباط با هم نداشته باشند. بنابراین، باید تمهیداتی مهیا شود تا علاوه بر زنگ تفریح، در اوقات و مکان‌های متفاوت، معلمان وقت بیشتری در ارتباط با همدیگر داشته باشند؛ زیرا در مدت محدود زنگ تفریح یا جلسات یک‌ساعته ماهانه، نمی‌توان درباره مسائل و مشکلات مهم درسی و غیردرسی، در محیط آموزشگاه تبادل تجربه‌ها و اطلاعات شکل گیرد. این نتایج با نتایج کای (۲۰۰۶)، فتحی و اجارگاه (۱۳۸۳) و گویا و ایزدی (۱۳۸۱) همسو است. کای (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان داد مشارکت معلمان در مدارس ابتدایی از حد مطلوب پایین‌تر است و میان وضعیت موجود و مطلوب مشارکت معلمان تفاوت وجود دارد. از عوامل مرتبط دیگر در زمینه روابط و مشارکت معلمان، جلسه شورای معلمان است که مدیر موظف است ماهی یک‌بار این جلسات را برگزار کند تا معلمان درباره مسائل و مشکلات آموزشی مدرسه، انتقادات و یا پیشنهادهایی برای رفع مسائل ارائه دهند. در بیشتر روستاها و مدارس چندپایه بدون برگزاری جلسات، این دفترچه به صورت فرمالیته پر می‌شود. از اشکالاتی که به برگزاری این جلسات وارد است بخشنامه‌ای بودن آن است و اینکه این جلسات با توجه به نیاز معلمان و با استقبال آن‌ها برگزار نمی‌شود و بیشتر، نظرهای مدیر و معاونان اعمال می‌شود که این نتایج با نتایج پژوهش‌های فتحی و اجارگاه (۱۳۸۳) و گویا و ایزدی (۱۳۸۱) همسو نیست. فتحی و اجارگاه (۱۳۸۳) نشان داد مشارکت معلمان در عرصه برنامه‌ریزی درسی از حمایت بسیار در تعلیم و تربیت برخوردار است و تدارک امکانات، منابع مالی، تفویض اختیار بیشتر به مدارس و معلمان از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت معلمان در برنامه درسی است. با توجه به نتایج، معلمانی که در روستا تدریس می‌کنند، به دلایل متعدد، از جمله اسکان چندروزه، قرابت فامیلی، کنار هم بودن در چندین سال و آشنا بودن با عادات یکدیگر ارتباط صمیمی بیشتری دارند که این نتیجه با نتایج استورا (۱۳۷۷) همسوست. او معتقد است ارتباط رسمی برای پیشبرد روابط همکاران کافی نیست. در عوض ارتباط غیررسمی (مانند روابط دوستانه

و روابط خارج از محیط کار) که در میان کارکنان به وجود می‌آید، جنبه اجتماعی حمایت‌بخشی دارد. معلمان هم‌پایه در استان لرستان نسبت به هم ارتباط کمتری دارند و بین آن‌ها رقابت‌های کاذبی وجود دارد که این نوع ارتباط به نوع سطح سواد و تفکر و جو حاکم بر مدارس و فرهنگ برمی‌گردد. در این مدارس شرایط به‌صورتی است که پرسش را نشان‌دهنده ضعف و بی‌سوادی معلم می‌داند. البته این از معضلات فرهنگ و نظام آموزشی است که مشارکت و ارتباط معلمان به‌ویژه معلمان هم‌پایه در رفع مشکلات یا رسیدن به راه‌حل‌های جدید در حد بسیار پایینی است. در کل روابط فرهنگی که معلمان از آن انتقاد می‌کنند، می‌توان برای نمونه بدخواهی و بدبینی و بدگویی نسبت به یکدیگر، حس رقابت منفی در بین معلمان هم‌پایه، حس بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر، استفاده نکردن از فکر و ایده‌های یکدیگر نام برد؛ این نتایج در راستای نتایج استورا (۱۳۷۷) و انیون (۱۹۹۵) است. انیون (۱۹۹۵) با تفکیک مدارس به لحاظ فرهنگی، نشان داد در بعضی از مدارس، تلاش برای اصلاحات دائماً با شکست مواجه می‌شود؛ زیرا جریان زیربنایی ارزش‌ها و هنجارهای معلمی نشان‌دهنده فلاکت، منفی‌نگری و توهین‌آمیز از جانب محیط و فضای مدرسه است.

با توجه به نتایج، رابطه والدین با معلمان به بیش، سواد و فرهنگ خانوادگی والدین بستگی دارد. به علت سطح سواد پایین مردم روستا و بی‌اهمیت بودن تدریس از نظر بعضی والدین، رابطه بین معلمان و والدین در این مدارس در سطح بسیار پایینی است. رابطه و مشارکت معلمان در بیشتر اوقات با والدین طوری است که در صورت بروز مشکلات رفتاری، آموزشی یا تربیتی، والدین به‌صورت فردی به مدارس مراجعه می‌کنند و سعی در اصلاح و بهبود شرایط دانش‌آموزان دارند. نوع ارتباط والدین با این مدارس به چند صورت است: جلسات گروهی در مورد مباحث عمومی، احضار فردی والدین با توجه به نوع مسئله دانش‌آموزان، به‌صورت تلفنی و نوع آخر که در حال حاضر بیشتر فراگیر شده وجود گروه‌ها و کانال‌های مجازی در سطح مدارس، که ارتباطات غیرحضور را بیشتر کرده است.

از دیگر نتایج، پی‌بردن به فاصله عمیق ایجادشده بین معلمان و والدین در ارتباط با نحوه

تدریس و آموزش جدید است که به علت آشنانبودن والدین و تغییر دائم محتوا، همه مسئولیت‌ها برعهده معلم قرار گرفته است و والدین توقع دارند معلم به‌تنهایی به مسائل درسی و تحصیلی دانش‌آموزان رسیدگی کامل داشته باشد. از دیگر نتایج، توقعات نابه‌جای والدین از معلمان است که سبب مشکلات و ایجاد مشاجره‌هایی بین معلم و والدین شده است؛ به‌ویژه در روستاهایی که قربات‌های فامیلی دخیل است، بیشتر این مشکلات به روش ارزشیابی معلمان، مکان نشستن دانش‌آموزان، شیطنت دانش‌آموزان و نحوه تدریس معلمان برمی‌گردد. واقعیت این است که اگر معلمی متوجه شود بعضی از والدین نسبت به دانش‌آموزانشان حساس هستند، یا اینکه والدین بعضی از دانش‌آموزان دارای مقام، پست یا سطح سواد متفاوت هستند، این ویژگی‌های والدین ممکن است در بعضی از معلمان در نوع توجه مثبت یا منفی نسبت به دانش‌آموزان اثر بگذارد و سبب توجه و محبت یا احترام بیشتر دانش‌آموزان به واسطه والدین می‌شود؛ زرنگی و تبلی، بی‌ادب یا مؤدب بودن دانش‌آموزان نیز در نوع برخورد معلمان با والدین تأثیرگذار است و در اکثر اوقات معلمان با والدین دانش‌آموزان زرنگ و مؤدب ارتباط بهتری دارند. علت پیشرفت مدارس، اولیا آگاه و وجود انجمن اولیای تأثیرگذار است که این جلسات به‌ندرت و بدون تأثیر در اکثر مدارس روستایی برگزار می‌شود.

متأسفانه این نوع فرهنگ که دانش‌آموزان بعد از مواد درسی، ارزش و اهمیت دارند و اولویت با مواد درسی و محتوا و ارائه محتوا برای دانش‌آموزان است، در بین معلمان نهادینه شده است. تفکر این است که دانش‌آموزان سربازانی هستند که موظف به یادگیری محتوا هستند. در این زمینه، بعضی از معلمان رابطه درست را در ساکت ماندن و گوش به فرمان بودن دانش‌آموزان می‌دانند، کلاً در مدرسه و کلاس به دنبال ساکت کردن هستند و ساکت بودن دیگران به هر صورت و به هر دلیل برای همه اهمیت دارد و این کار برای همه معلمان نهادینه شده است و انسان‌های حرف گوش کن و ساکت اهمیت بیشتری دارند.

ازجمله عواملی که به‌صورت مستمر در بیشتر مدارس، موجب نزدیکی و رابطه دانش‌آموزان با معلمان و کارکنان مدرسه می‌شود، ادای فریضه نماز جماعت است که سبب ایجاد فضای صمیمیت

همراه با حرمت و محبت بین دانش‌آموزان و معلمان است. با توجه به تغییرات زیادی که در دوره ابتدایی انجام گرفته است، به‌جز نماز جماعت - که یک نوع برنامه درسی غیررسمی است و سبب نزدیکی و رابطه عاطفی بین معلمان، دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه شده است - در بیشتر مدارس این استان برنامه غیررسمی دیگری نیست که به‌صورت مستمر سبب نزدیکی افراد می‌شود.

در زمینه رابطه دانش‌آموزان با معلمان، دانش‌آموزان در مسائل مختلف کلاسی حق اظهار نظر ندارند و مسائل کلاس با توجه به نیازها و خلاقیت دانش‌آموزان طراحی نمی‌شود. در نظام آموزشی، نه صدای معلمان شنیده می‌شود و نه صدای دانش‌آموزان، بلکه مسئولان و سیاست‌مداران در نظام آموزشی تمام تصمیم‌ها را برعهده دارند و هیچ‌گونه توجهی به پایین‌دست خود با توجه به شرایط و موقعیت و توانایی و نوع تأثیرگذاری آنان ندارند. برای تعامل بیشتر و سازنده دانش‌آموزان با معلمان باید نظام آموزشی، از دانش‌محوری فاصله گیرد و زمینه‌ای مهیا شود تا خلاقیت معلمان نسبت به مسائل اطراف بیشتر شود. این نتایج با یافته‌های قمریان (۱۳۸۳) همسو است که معتقد بود بین خلاقیت، خطرپذیری و توجه به جزئیات و میزان مشارکت دبیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

براساس نتایج پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر بیان می‌شود:

- بررسی علل حس رقابت منفی در بین معلمان هم‌پایه، حس بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر، استفاده نکردن از فکر و ایده‌های یکدیگر به‌صورت مجزا در نظام آموزش و پرورش.
- طی مطالعه‌ای به بررسی راهکارهای افزایش تأثیر فرهنگ محلی در نظام آموزشی پرداخته شود.
- با توجه به اینکه رابطه معلمان فقط در زنگ تفریح و بعضی مواقع یک ماه و یا دو ماه یک‌بار جلسات معلمان در مدارس برگزار می‌شود و در این مدت نمی‌توان درباره مشکلات مهم درسی و غیردرسی با هم گفت‌وگو کنند، کارگروهی در مراکز استان‌ها تشکیل شود و درباره این مسئله تأمل شده و راه‌حلی ارائه شود.
- پیشنهاد می‌شود کلاس‌های توجیهی برای آگاه‌شدن والدین به حقوق خود و دانش‌آموزان در مناطق روستایی برگزار شود.

منابع

- استورا (۱۳۷۷). *تنیدگی یا استرس بیماری جدید تمدن*. ترجمه پریخ دادستان، تهران: رشد.
- خنیفر، حسین، و مسلمی، ناهید (۱۳۹۶). *روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: سرای دانش.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم و تکوین هویت ایرانی*. تهران: نشر باز.
- صادقی، علیرضا (۱۳۹۰). *طراحی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی تربیت معلم ابتدایی جمهوری اسلامی ایران*. رساله دکتری برنامه‌ریزی درسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۰). *مردم‌نگاری آموزش*. تهران: نشر علم.
- فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۸۳). *امکان‌سنجی مشارکت معلمان در فرایند برنامه‌ریزی درسی نظام آموزش و پرورش ایران*. نوآوری‌های آموزشی، ۳(۸)، ۷۸-۵۹.
- قمریان، محسن (۱۳۸۳). *بررسی رابطه بین عوامل فرهنگ سازمانی و میزان مشارکت دبیران در امور مدارس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
- کاشی، بهمن (۱۳۹۱). *نیازسنجی آموزشی معلمان شاغل در کلاس‌های چندپایه منطقه الموت غربی استان قزوین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه تهران.
- کوش، دنی (۱۳۸۹). *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*. ترجمه فریدون وحید، تهران: سروش.
- گال، مردیت، بورگ، والتر، و گال، جویس (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*. ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سمت.
- گویا، زهرا، و ایزدی، صمد (۱۳۸۱). *جایگاه معلمان در سطوح تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی درسی*. طرح پژوهشی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- معلم علی‌آبادی، خلیل (۱۳۸۸). *جایگاه قومیت‌های ایران در کتب درسی دوره ابتدایی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- میرعرب رضی، رضا (۱۳۹۲). *تبیین نقش فرهنگ معلمی در نوع مواجهه با تغییر و نوآوری در برنامه درسی*. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

Anyon, J. (1995). Race, social class, and educational reform in an inner-city school. *Teachers College Record*, 97(1), 69-94.

- Davitt, B. (2014). *Exploring the relationship between resistance to change and the organizational culture in Lease plan Infrastructure Services*. Master's thesis, Dublin, National College of Ireland.
- Gligorovic, B., Nikolic, M., Terek, E., Glusac, D., & Ivan Tasic, I. (2016). The impact of school culture on Serbian primary teachers' job satisfaction. *Hacettepe University Journal of Education [Hacettepe universites Egitim Fakultesi Dergisi]*, 31(2), 231-248
- Kai, C. G. U. (2006). A research on school organizational climate, teacher participation in decision making and school effectiveness in Kaohsiung county and Kaohsiung city. Available at <https://hdl.handle.net/11296/c4fmut>
- Kardos, S., Moore Johnson, S., Peske, H., Kauffman, D., & Liu E. (2001). Counting on colleagues: New teachers encounter the professional cultures of their schools. *Educational Administration Quarterly*, 37(2), 250-290.
- Lam, C. C., & Lidstone, J. G. (2007). Teacher's culture differences: Case studies from Brisbane, Changchun and Hong Kong. *Asia Pacific Education Review*, 8(2), 178-193.
- Mertens, M. D. (2005). *Research and evaluation in education and psychology, integrating diversity with quantitative, qualitative, and mixed methods*. 3rd ed., SAGE Publications.

